

کله کچاکه نکلان

(قصه‌های کچاک در گیلان)

گردآوری و پژوهش

محمد بشرا



سرشناسه	بشرا، محمد، ۱۳۱۶ -
عنوان و پدیدآور	کله کچلکه نقلاب (قصه‌های کچلک در گیلان) / گردآوری و پژوهش محمد بشرا [به سفارش] حوزه هنری استان گیلان.
مشخصات نشر	رشت: انتشارات سپیدرود، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۱۵۸ ص.
نایک	۹۷۸-۶۰۰-۷۳۳۵-۴۳-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	فپا:
رِصوع	افسانه‌ها و قصه‌های ایرانی -- گیلان
موضوع	افسانه‌ها و قصه‌های گیلکی
شناسه افزوده	حوزه هنری استان گیلان
رده‌بندی ده‌جریه	۱۳۹۵ ک ۵۸۵ پ / ۴۷۵ PIR
رده‌بندی دی‌ویی	۳۹۸/۲۰۹۵۵۲
شماره کتابشناسی	۴۵۶۱۸۴۸

• کله کچلکه نقلاب (قصه‌های کچلک در گیلان) • گردآوری و پژوهش: محمد بشرا

• تصویرسازی روی جلد: فرامرز توحیدی

• طراحی صفحات داخلی: نسرين سخايي

• شمارگان: ۵۰۰ نسخه

• شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۳۵-۴۳-۷

• ویراستار: حسين ادهمي

• صفحه‌آرا: مهيار پرچلم

• چاپ نخست: ۱۳۹۶

• انتشارات سپیدرود

فهرست

۹.....	یادداشت حوزه هنری گیلان
۱۱.....	خاور سخن
۱۵.....	کله کچلک و کاس و کوسه یو زرده ریش
۲۹.....	کچلک و چشم آبی و کوسه و ریش زرد (برگردان فارسی)
۴۵.....	کله کچلک و دختر شاه پریان
۵۱.....	کچلک و دختر شاه پریان (برگردان فارسی)
۵۷.....	کچلک کفن دز
۵۹.....	کچلک و گور کن
۶۱.....	کچلک و مرگ مصلحتی
۷۱.....	ماهی خریدن کچلک
۷۳.....	کچلک و دو کبوتر
۷۹.....	کله کچلک و اونه گندمکاری شیریک
۸۱.....	کچلک و شیریک گندمکاری اش (برگردان فارسی)
۸۳.....	کله کچلک و شیطان
۸۵.....	کچلک و شیطان (برگردان فارسی)
۹۱.....	کله کچلک و میس شیکار
۹۲.....	کچلک و شکار گنجشک (برگردان فارسی)
۹۳.....	کچلک شغال نترس
۹۷.....	کچلک درستکار
۱۱۱.....	کچلک و فریفتن نکیرین
۱۱۳.....	پس و عمومی ثروتمندش
۱۱۵.....	کچلک و سگ و گربه و مادرش
۱۱۹.....	کچلک و راز دره های کوه الماس
۱۲۳.....	کچلک و آتش فشان کوه بیستون
۱۲۷.....	کچلک و تاجرباشی

- کچلک و پهلوانی..... ۱۳۱
- کچلک و مردم مستجاب الدعوه..... ۱۳۳
- کچلک و کلاهش..... ۱۳۵
- کله کچلی و پادشاه دختر را بوردن..... ۱۴۱
- کچلک و دختر پادشاه را به زنی گرفتن (برگردان فارسی)..... ۱۴۴
- کله کچلی و شیطان (بازنویسی قصه‌های محلی به شعر گیلکی)..... ۱۴۷
- علامه اوانگاری..... ۱۶۰

یادداشت‌های خردگیلان

«نقل»ها، نه دقیقاً واقعیات زندگی‌اند و نه بیرون از حوزه واقعیات‌اند؛ زیبایی نقل‌ها، دقیقاً همین تعلیق است که دامنه زندگی واقعی را گسترش می‌دهد. گاه فرا واقعی می‌شود، با اسطوره می‌آمیزد، قهرمان می‌سازد، به سرزمین‌های آشنا و ناآشنا سر می‌زند، آدمی را به زمان و مکانی نامعلوم می‌برد و گستره تخیل او را وسعت می‌بخشد تا او را از محاذ رؤیایا و پدیده‌های تکراری زندگی برهاند و قلمرو تازه‌ای پیش رویش بگشاید. البته این همه توانایی نقل‌ها نیست؛ برای انسان روزگار قدیم، نقل، بخشی از زنجیره هستی‌شناختی او بوده است. اخلاق را در قالب جوانمردی، سخاوت، بزرگواری و رعایت انصاف و عدالت به او یادآوری، اسطوره‌های محلی و دینی‌اش را حفظ می‌کرد، در مقابل آرزوهای ناکام مانده، امید را در دل او زنده نگه می‌داشته، بخشی از آموخته‌های تربیتی را به فرزندان او منتقل می‌کرده است. به همین دلیل است که نقل‌ها خالق مشخصی ندارند و محصول ذهنیت جمعی‌اند.

نقل‌ها همان قصه‌های عامیانه‌اند؛ به عبارت دیگر قصه‌هایی با ساختار ساده که اتفاقاتی بی دلیل، بی زمان و بی مکان را روایت می‌کنند. این قصه‌ها که به صورت شفاهی در همه جای جهان پراکنده‌اند، خالق مشخصی ندارند و برای هر قصه،

روایت‌های متفاوتی می‌توان یافت؛ زیرا به مرور زمان، ذهنیت جمعی ممکن است بر یک قصه تأثیر گذاشته، تغییراتی در آن ایجاد کرده باشد. بنابراین گاه یک قصه در نزد قوم یا فرهنگ، دارای حوادث مختلف و حتی پایان متفاوت است. اساس نقل یا قصه برگفتار استوار است، نه نوشتار، و از این روست که شرح مآوقع در قصه‌ها، تأکیدی بر جزئیات ندارد و حوادث کلی در آن، بی‌هیچ رابطهٔ علّی و معلولی شکل می‌گیرد.

بعبارت دیگر، انسان کلی‌نگر، اتفاقات کلی و پشت سرهم، بدون ذکر جزئیات، اهمیت بیشتری یافته است و این گونه است که زمان و جغرافیای قصه‌ها اهمیت چندانی ندارند. حادثه در ناکجاآباد رخ می‌دهد.

قهرمانان در قصه‌ها الگوهای مشخص دارند؛ یا مطلقاً شخصیت خوب و مثبت هستند و یا شخصیت منفی. داستان کوتاه امروزه جای قصه‌های عامیانه را گرفته است. بسیاری از عناصر محتوایی و تکنیکی قصه‌ها، در داستان امروز تغییر شکل داده و به دیگری یافته است. اهمیت قصه‌ها اکنون، در قابلیت‌های نشانه‌شناختی، جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی و... است. از این رو جمع‌آوری این نوع ادبی و دسته‌بندی آن، اهمیت است.

قصه‌های «کله کچلک» یکی از نقل‌های بزرگ و معروف در بین مردم ګیلان است که روایت‌های مختلفی از آن در جای‌جای این استان وجود دارد. استاد محمد بشرا که روزگار درازی را در زمینهٔ فرهنگ مردم پژوهش کرده، روایت‌های گوناگونی از این قصه را در این کتاب گردآورده است.

حوزه هنری ګیلان اثر حاضر را به همهٔ دوستداران فرهنگ و ادبیات ګیلان تقدیم می‌کند. به امید آنکه مورد توجه قرار گیرد.

واحد آفرینش‌های ادبی

خاک و سنگ

کچلک در فرم رنگ مردم گیلان قهرمانی مردمی است؛ گاه زرنگ و کاری و زمانی تنبل و بی‌کاره، گاه از تنم جو است و گاه دلی عاشق و مهربان دارد و با هوش ذاتی خود، برای ستاندن حق خویش و دیگران تلاش می‌کند و در بسیاری از اوقات سود رسانی به دیگران سبب زین او می‌شود، اما او برای خدمت به مردم حتی از سود خویش هم می‌گذرد.

داستان‌های کچلک هنوز در روستاهای دور دست گیلان و در زبان کودکان و نوجوانان است در حالی که به سرعت روی به فراموشی نهاده و بدون تعارف، مغلوب کارتون‌های رنگ و وارنگی شده است که افسانه‌های دیگر ملل فراهم شده و برای کودکان و نوجوانان ما در سطح وسیعی پخش می‌شود.

امروزه کودکان و نوجوانان و حتی میانسالان سرزمین ما با سوکر، باگزوبانی، میکی‌موس، پلنگ صورتی و... بسیاری دیگر از کارتون‌های غربی، بیشتر از قهرمانان افسانه‌ای و داستانی سرزمین خود می‌شناسند و هنوز به اندازه پیش از نیم قرن تلاش هنرمندان ما نتوانسته‌اند به درستی کارتون‌های جالب و زیبایی هنرمندانه و دلنشینی از افسانه‌های بومی نقاط مختلف کشور بسازند و برای کودکان و نوجوانان ما پخش کنند تا قهرمانان این داستان‌های فرهنگی ما نیز ملکه ذهن کودکان و نوجوانان شود.

از سوی دیگر سازمان‌ها و ادارات مسئول گردآوری فرهنگ عامه سرزمین ما نیز، تصمیمی جدی و همه‌جانبه‌ای برای گردآوری فرهنگ مردم ایران نگرفته‌اند، تا تمامی این افسانه‌های شیرین گردآوری شود و از فراموشی رهایی یابد و همان مقدار را هم که افراد علاقه‌مند به خون جگر فراهم کرده‌اند، به درستی منتشر نشده است و در این راه کمک مؤثری به گردآورندگان و پژوهندگان این گنجینه آثار نمی‌شود تا نتیجه تحقیقات سالیان درازشان چاپ و منتشر شود و در دسترس همگان قرار گیرد، اما با هزینه‌های کلان، کارتون‌های خارجی خریداری و با صرف وقت و پول فراوان از متن اصلی به زبان فارسی برگردانده و به خورد گردکان عاقل از فرهنگ سرزمین ما داده می‌شود.

در این میان، نوراللهی، گیلان از سال‌های پیش پای همت پیش نهاده و مجموعه‌ای از فرهنگ مردم سرزمین ما را در دانشنامه فرهنگ و تمدن گیلان، گرد آورده است که حمایت مؤثری است برای پژوهندگان و گردآورندگان و هم فرهنگ و تمدن ایران و ثبت و ضبط آثاری که در پستوی زمان در زیر خاک نسیان پنهان مانده است و این جای تسکین و تأدیر فراوان دارد.

قصه‌های کچل نه تنها در سراسر گیلان بلکه در فرهنگ مردم سراسر ایران وجود دارد. بخشی از این قصه‌ها در جلد سوم کتاب «افسانه زندگان» که متعلق به غرب گیلان است آمده که روایتی دیگر از قسمتی از قصه‌های این کتاب است. بخشی هم از داستان‌های کچلک را هم شادروان «دبجوی بهندی» از رادیو ایران، نقل می‌کرد که طرفداران بسیار داشت. شادروان انجوی شیرازی نیز در مجلدات «قصه‌های ایرانی» آورده است که خود در این مجموعه آمده است

۱. ر.ک. حسن‌زاده، علی‌رضا، افسانه زندگان، تهران: انتشارات بقیعه، ۱۳۸۱، صص ۶۵۷ تا ۶۸۱ و ۷۳۳ تا ۷۳۹.

۲. ر.ک. اینجوی شیرازی، سیدابوالقاسم، قصه‌های ایرانی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵، ج ۳، صص ۴۱ تا ۴۷.

و همچنان که گفته شد، بیان‌کنندهٔ زرنگی و چالاکی کچلک در دستیابی به هدف‌هایی است که در زندگی قهرمانانهٔ خود داشته است.

تم بسیاری از این قصه‌ها در فرهنگ مردم ایران که به نام «حسن کچل» شهرت دارد، طنز گزنده‌ای از کارهای کچلی زرنگ است که در دنیا با همهٔ نداری‌هایش به خواستگاری دختر پادشاه زمان، عموی مال‌دار خود که همهٔ مال و منال او را به یغما برده است و یا تاجر باشی بسیار ثروتمند می‌رود و در بیشتر کارهایش، سربلند و پیروز می‌شود، اما نیرنگ‌هایی که برای از میدان به در کردن رقیبان به کار می‌برد، بسیار متفاوت و طنزآمیز و گاه مضحک است و سبب شیرینی این قصه‌ها، در زور کودکان و نوجوانان و حتی میانسالانی می‌شود که به قصه‌های بومی خود عنایت و علاقهٔ ویژه‌ای دارند.

در کتاب «افسانه‌ها و متل‌های کردی و هفتاد قصهٔ عامیانهٔ ایرانی»^۱ دو قصهٔ به نام‌های «کر کچل» و «حیلۀ تاجر» مد است که قهرمان داستان‌هایش کچلی زیر و زرنگ است.

گویا قصه‌های کچل، منحصر به کشور ما نیست؛ بلکه در «افسانه‌های ایتالیایی» که «ایتالو کالوینو» گردآوری کرده و محسن ابراهیم آن را به فارسی برگردانیده است، قصه‌ای به نام کچل وجود دارد.

این دفتر (قصه‌های کچلک) نیز به همت همکاران پیوستهٔ برنامهٔ رادیویی «فرهنگ گیلان» که بین سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۸، بعد از اخبار ساعت ۲۰ رادیو رشت پخش می‌شد، فرستاده و همراه با تحقیقات میدانی نگارنده، گردآوری و تدوین شده است که از همهٔ آن عزیزان تشکر می‌کنم و برای آنانی که روی در نقاب خاک کشیده‌اند و به دار بقا شتافته‌اند، آمرزش می‌طلبم. امید که زندگان پای

۱. درویشیان، علی‌اشرف، افسانه‌ها و متل‌های کردی و هفتاد قصهٔ عامیانهٔ ایرانی، تهران: نشر چشمه و نشر خنیا، ۱۳۶۶، ج ۱ و ۲، صص ۴۰ تا ۴۸.

۲. کالوینو، ایتالو، افسانه‌های ایتالیایی، ترجمهٔ محسن ابراهیم، تهران: انتشارات نیلا، صص ۴۱۷ تا ۴۴۳.

در راه همچنان به کار و تلاش خود در گردآوری فرهنگ مردم منطقه‌شان ادامه دهند. انشاالله.

همه قصه‌هایی که در این دفتر گرد آمده است، با گویش‌های متداول در سراسر گیلان، با اندکی تغییر به وسیله مادر و مادر بزرگ‌ها و گاه پدران و پدر بزرگان برای کودکان و نوجوانان و گاه در نشست‌های صمیمی شب‌نشین‌های زمستانی که در خانه نسل شنونده دارد، برای همگان با آب و تاب، گفته می‌شود. این گویش، گاه برای ترجمه و تفهیم بهتر و بیشتر، نیاز به آوانویسی دارد؛ زیرا در غیر این صورت، به درستی مفهوم نخواهد بود. لذا نمونه‌هایی آسان‌تر از گویش‌ها، مانند (موسی) و یک نمونه از شرق گیلان آورده شده، تا مثنی باشد از خروار. در این مجموعه سائل زبان‌شناختی مدنظر نیست؛ بلکه منظور بیان قصه‌هایی در چهار چوب (کپسک) است.

امید است که با گردآوری این دست‌نوشته‌ها فرزندان این آب و خاک را با فرهنگ اصیل و بومی آشنا کنیم.

محمد بشرا (درویش گیلانی)